

همین ساعت همان جا

محمد داوود عسکری

تایپان ۸۶

سرشناسنامه: عسگری، محمد داوود ۱۳۵۷
عنوان و پدیدار: همین ساعت... همان جا / مؤلف محمد داوود عسگری
مشخصات نشر: تهران - نغمه زندگی ۱۳۸۶
مشخصات ظاهری: ۱۸۲ ص
شابک: ۲۵۰۰۰ ریال ۰ - ۰۹ - ۲۸۸۲ - ۹۶۴ - ۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت کلی: فیبا
موضوع: داستانهای فارسی - قرن ۱۴
رده بندی کنگره: ۱۳۸۵ ۰۸ ۷۳۴۴ س / pir۸۱۵۱
رده بندی دیویی: ۶۳ / ۳ فا ۸
شماره کتابخانه ملی: ۴۴۵۲۶ - ۸۵ م



تهران - خیابان سهروردی - بین مطهری و بهشتی - چهارراه کیهان پ ۱۱۹
طبقه چهارم واحد ۱۰ تلفن: ۸۸۷۵۲۱۳۱ و فاکس ۸۸۷۵۲۱۱۱، صندوق پستی ۷۱۷۹-۱۵۸۷۵

عنوان کتاب: همین ساعت... همان جا
مؤلف: محمد داوود عسگری
طراح جلد: مسعود عسگری
چاپ: اول تابستان ۸۶
تیراژ: ۱۰۰۰
چاپخانه و صحافی: امید
حروفچینی و صفحه آرایی: خدمات کامپیوتری نوید
شابک ۰-۰۹-۲۸۸۲-۹۶۴-۹۷۸ ISBN 978-964-2882-09-0
حق چاپ محفوظ و مخصوص انتشارات نغمه زندگی است.
قیمت ۲۵۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	بی مقدمه
۹	شصت سالم سن زیادی نیستا
۱۳	هی... کد خدا
۱۵	این همه علاقه
۲۳	نیامده که برود
۲۵	خودشه
۳۱	بیست و هشتم هر ماه
۴۱	لیلی مجنون تر
۴۷	اون روزا
۴۹	ایه... هام
۵۹	مزرعه ی آقای بالاک
۸۳	دارم بزرگ می شوم
۸۵	سوسک سیاه

۸۷		دنایای گربه‌ای
۱۱۳		مثل هر روز که هر شب می‌شود
۱۱۷		همین ساعت... همان جا
۱۳۵		آتش سیگار
۱۳۷		نرگس بود
۱۴۱		برجک
۱۴۳		کمای کما
۱۵۳		بزم شقیقه‌ها
۱۵۵		نزدیکان دورتر
۱۵۹		ساعت
۱۶۱		هاله‌ای درید
۱۷۱		هوای زیر زمین
۱۷۳		سی سال جوانی
۱۸۵		موبایلم چیز خوبی نیستا

من می‌گیریم، تو حرف مرا می‌فهمی، پس ما هستیم

فرانسیس پونز

بی مقدمه

داستان، روایت ساده‌ی زندگی است و تاریخ نیز روایت دیگر گونه‌ای از انسان و گذشته‌های پندآموز اوست. تنها عنصری که این دو وجه را از هم باز می‌نماید در شکلی کاملن آشکار عنصر تخیل است، احساس، اندیشه و زبان در هر دو ژانر روایی کاملن با کلام ممزوج است. اگر چه نگرش داستان نویس به زبان از نوع دیگر است. داستان، خلقی روایتی است خود خواسته که در بطن واژه‌گان شکل می‌گیرد. اما تاریخ روایت گذشته‌ای ناگزیر است که در آن مورخ در مقام ناظری منفعل، تنها به واگویی حوادث حادث می‌پردازد. داستان عین حادثه است، حادثه‌ای که در زیر و بسم کلمات و اصوات تجلی می‌یابد. گاهی حادثه، طرز و گونه‌ی چینش کلمات و همنشینی و جانشینی جادویی واژه‌گان است. بدین سان است که داستان با شعر و حکامه همداستان می‌گردد. مرز شکنی‌های جهان پست مدرن در علوم انسانی خصوصن ادبیات به زدودن دیوار ژانرها و میان ژانرها پرداخته و انواعی همدست و همگون از ادبیاتی ترکیبی و تلفیقی پدید آورده است. "لیوتار"، منطق و شعر را از یک قماش دانسته، به صراحت ابراز می‌دارد «آنجا که منطق با زبان‌آوری به اهداف خود نائل می‌آید شعر نیز با همنشینی با فلسفه پهلوی به پهلوی منطق می‌ساید».

ماجرای خورشاوندی شعر و داستان، داستان و تاریخ، تاریخ و اسطوره، جزئی از همین تئوری محتم است. با فرو ریختن دیوار حایل بین شعر و داستان، با گونه‌ای نوین از تعارضات بینامتنی و میان ژانرها مواجه‌ایم. داستان از آن روی که روایتی منشور است روی در اطناب دارد اما شعر از آنجا که به روایت‌های یک سویه تن در نمی‌دهد و از سوی دیگر بدان جهت که حاصل مکاشفات آنی و لحظه‌ای شاعر است روی در ایجاز و فشرده گی بیان دارد. شعر با دریافت گونه‌های مختلف و مختلط روایت و تاکید بر ساخت و ساز مکان‌ها و شخصیت‌ها داستان گونه می‌شود و داستان نیز با تاکید بر برخی از فعالترین عناصر شعر، پا به حیطه‌ی احساس و تخیل و شاعرانگی می‌گذارد. زبان در این میان نقشی چند سویه را بازی می‌کند. ایجاز، واژه‌گان مکرر و سطرهای طولی. داستان‌ها را تقلیل می‌دهد و بدین سان است که داستان کوتاه و کوتاه‌تر می‌شود.

رویکرد جهان ادبیات به داستان‌های مینی‌مالیستی در حقیقت انعکاس ایجاز-گری‌هایی است که پیش از آن در واقعیت‌های عینی رخ داده است. جهان امروز روی در فشرده گی و انقباض دارد و در بسیاری از عرصه‌ها نمود آن مشهود است. ایجاز نتیجه‌ی ادغام یافته‌های بشری است و تلفیق دانسته‌هایی است که در قرون متمادی حصول یافته است. شعر نیز با نگاهی چند وجهی به واژه‌گان به هایکو یا چیزی شبیه به آن که طرح‌اش می‌نامیم بدل می‌شود و می‌رود تا در کمترین واژه‌گان، کمترین فاصله را با نیستی کلمه و سکوتی سراسر شعر و شعور پیدا کند.

تلفیق شعر و داستان، به روایت‌های شعر گونه ای انجامیده است که در کمترین واژه‌گان و سطرها از دریافت‌های آنی مولف حکایت دارد. با این

همه حتا اگر کلام به کلمه ای ختم شود، نوع دستوری کلمه مرز کوتاه و باریک شعر و داستان همچنان باقی می‌گذارد. فعل ها همواره به جهت روایتی که در خود ضمیمه دارند بیشتر داستانی اند اما اسم ها و صفت ها از آنجا که دریافت مدلولشان نیاز به کنکاش قوه تخیل دارد، غالبین شاعرانه تر به نظر می‌رسد.

مورخ امروز نیز در این میان با شکستن بنیان‌های تاریخ نویسی سنتی که ریشه در وقایع اتفاقیه مرسوم دارد گاهی پا به حیطه‌ی بی‌زمانی یا چند زمانی شعر و داستان و اسطوره گذاشته و از منظرگاهی نو، روایتی آمیخته با احساس و تفکر و تخیل را ارائه می‌کند. امروزه مورخ نوگرا دیگر خود را آنگونه که تاریخ می‌طلبد، در گذشته‌های دور و نزدیک محصور نمی‌کند، بلکه به حال می‌اندیشد و به فردا و در تحلیلهای عبرت‌آمیز و عبرت‌آموز خود وجوه بیانی و زبانی را از نظر دور نمی‌دارد. اما در حقیقت با این کار شگفت، تاریخ را از انحصار افعال ماقع ماضی بیرون می‌آورد و بدینسان دور از گیرودار مکان و زمان و تنوع افعال به ابدیتی تأمل برانگیز در کلام می‌اندیشد. او در واقع با روایت تاریخ، تأویلی تازه از زمان و زندگی ارائه می‌کند.

«جنگ و صلح تولستوی» با تمام فراز و نشیب هایش تاریخ غرور، افتخار، نفرت، تکبر، عشق، هوس، امید، یأس، وحشت و غمهای بی پایان بشری است.

«صد سال تنهایی گارسیا مارکز» تاریخ یا داستان شاعرانه و جاودانه‌ی مردمی است که در گوشه‌ای از این جهان پر رمز و راز، باران و زندگی را به دیده حیرت می‌نگرد؛ مردمی که در آنسوی واقعیات فریبده‌ی عینی، به امور ذهنی و جادویی که روح و روان آنها را تسخیر کرده می‌اندیشند. «کوری ساراماگو»

نیز تاریخ سپید ناهوشیاری و نایبانی انسانهای همیشگی تاریخ است که در چهار راه زندگی به غفلتی ابدی تن در داده‌اند. «بار هستی کوندرا» روایت کامجویانه‌ی انسانهایی است که در منجلابی از چیزی که اروتیسم، تن‌پرستی و دوستی و نفرت‌اش می‌نامیم گرفتار آمده‌اند. «پاک‌کن‌های آلن رب گریه» در حقیقت تاریخی است که در زمانی گمشده اتفاق می‌افتد. زمانی اندک، با تداخل مکان‌ها، تیپ‌ها و کاراکترهایی که در دنیای پر از جنایت و جرم به دستان مقصر و مرگ‌آفرین خویش نگاهی وسواس‌آمیز دارند.

در داستانهای کوتاه و داستان‌های کوتاه‌تر نیز گوشه‌ای از کلان‌روایتی تاریخی به تصویر کشیده می‌شود. رئالیسم جادویی اگر چه بیشتر در رمان‌های مطول امکان بروز یافته است اما کسانی چون «کارنبر» و «بورخس» و دیگران با تاسی از افسانه‌پردازهای شرق و چیزی از گونه‌ی هزار و یکشب‌های عربی، ایرانی به خلق جادوی روایی خود پرداخته‌اند.

داستان‌نویس امروز می‌نویسد تا به انسانها آگاهی و بیداری بخشد، هر چند دنیای پرشتت امروز به او آموخته است که نمی‌تواند در مقام یک پیامبر به توصیه‌ی دانسته‌ها و نادانسته‌های خود تأکید ورزد.

داستان‌نویس می‌کوشد تا چشمهای خواب‌آلود را آبی زند و از خواب جهالت بیدار شود. برخلاف آنچه در جامعه‌ی قصه‌پرداز دیروز ما جریان داشت. داستان فقط آرام بخش قبل از خواب خاتون و خواجه نیست. شه‌ر‌زاد ظلم را می‌خوا‌ب‌اند تا عدالت بیدار شود و بدین جهت است که هزار و یکشب ناتمام را نمی‌آساید و چشم برهم نمی‌گذارد تا زندگی بیدار بماند. پیرمرد راوی به شه‌ر‌زاد می‌گوید: «باید داستانهایت زیبا و لذت بخش باشد، اگر اینگونه نباشد تو خواهی مرد!» و سالها بعد «سامرست موام» داستان‌نویس

معروف بر این نکته تأکید ورزید که «داستان قبل از هر چیز باید سرگرم کننده و لذت بخش باشد».

هنر با نزع از واقعیت و پیوند آشکار با تخیل می‌رود تا انسان را از درگیری جانفرسا با واقعیت‌های تلخ زندگی رهایی بخشد. خواننده با خواندن این داستان، پا به حیطه‌ی دنیایی می‌گذارد که آنرا انسانی چون او آنگونه که خود خواسته آفریده است. بدین لحاظ چنین آفرینشی از نابسامانی‌های دنیای بیرون بدور است.

به گفته معروف فولبر «یکی از راهها برای تحمل زندگی، غرق شدن در ادبیات است انگار در جشنی جاودانه شرکت داشتن».

و، نکته‌ی آخر اینکه داستان نویسی امروز علاوه بر رویکرد به ایجاز و گزیده گویی و گریز از روایت‌های کلان و توجه به جزئیات امور از یک سو و از سوی دیگر با شکستن مرکزیت کلام و تداخل معنا، جهان پر از نشئت امروز را در غوغای کلمات به تصویر می‌کشد.

نسبت گرایی و عدم قطعیت از اندیشه‌های اینشتن و هایزنبرگ یعنی در واقع از فیزیک به متافیزیک ذهن حلول یافته است و در ساخته‌های ماهوی بشر تأثیری تام و تمام داشته است.

فرم، به تعبیر ما تلفیقی از وجوه ساختاری و یا رفتاری اثر هنری است که ماهیت و کیفیت ساختمانی بیرونی و درونی اثر را تضمین می‌کند.

معماری پیشرفته در جهان واقع، معماری متنوع و حیرت برانگیز سازه‌های ادبی را به ارمغان آورده است. توجه به انواع فرمهای داستانی و شعر و بعضن تلفیقی، از وجوه جوهر شناسی ادبیات روایی و غیر روایی امروز محسوب می‌شود.

آنچه فهرست‌وار برشمردیم به زعم ما، گوشه‌ای از خصایص و ویژگیهای داستان نویسی امروز است. این همه را مقدمه آوردیم تا به داستانهای کوتاه و کوتاه‌تر داستان نویسی جوان نگاهی امروزی‌تر داشته باشیم.

دومین اثر داستانی «محمد داوود عسگری» در واقع مجموعه‌ی سی داستان کوتاه و بعضی مینی مالیستی است که اغلب ویژگیهای یاد شده را داراست (اثر اول وی رمان گاهی برای رسیدن باید نرفت). قدرت و قوت احساس در داستانهایی که از نظر خواهد گذشت مهمترین خصیصه آشکار آنهاست، اگر چه این داستاها‌ی پر احساس، گاهی به روایتهای احساساتی بدل می شود، اما همین عنصر غنی است که با مخاطب به طرزی مرموز ایجاد رابطه می کند.

تعلق خاطر ایشان به عنصر احساس، بی شک از آنجا نشأت می گیرد که وی در شعر و شاعری نیز دستی توانا داشته و طی سالیان گذشته اشعار قابل توجهی در حوزه‌های نو و کلاسیک ارا نه نموده است.

وی در آن سوی روایتهای داستانی کلمات را از دریچه‌ی زیباشناسی شعر می - نگرد و نهایتن اثری خلق می شود که آمیزه‌ای از شعر و داستان است، یعنی درواقع ترکیبی از روایت و احساس، گوشه‌ای از این همزاد پنداری مخاطب، حاصل مکاشفه‌هایی است که حداقل در هر داستان یک بار اتفاق می افتد. فقر اندیشه در برخی از آثار کم و بیش به چشم می خورد، اما نویسنده با خلق صحنه‌های ماندگار و لحظات تلخ و شیرین، فلسفه‌ای عمیق را جستجو می - کند. اگر چه احساسات نوستالوژیک حتا در ساده‌ترین داستانها نیز از ذهن و اندیشه‌ی داستان نویسن دست بردار نیست.

او زندگی را از دریچه‌ی عشق و دوستی و مرگ به نظاره نشسته است و اگر گاهی کلام او به کسالت و انزجار مخاطب می‌انجامد، بی‌گمان به دلیل وجود نکات کسالت‌آور و انزجارآمیز زندگی است.

داستان امروز و داستان هر روز، داستان زندگی است. آینده‌ی تمام نمای روزمره‌گی و روزمره‌گی انسان با تمام ابعاد و تمام فراز و نشیب‌هایش. تنوع گونه‌های داستان در این مجموعه‌ی داستانی خود حکایتی دیگر است. کنکاش چند و چون این آثار مجالی دیگر می‌طلبد.

با آرزوی روزافزون برای این داستان نویس جوان، شما را به خواندن رنجمویه‌های روایی وی دعوت می‌کنیم. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

محمد حسین بهرامیان - آبانماه ۸۵

خواهش های قبل از خوانش:

س: خواهش می کنم اگر اهل دل و احساس نیستید، از همین جا سر کتاب را بپندید.

ل: ...نپسید ... پس هستید. خواهش می کنم، خواهش می کنم با احساس و وسواس بخوانید.

الف: داستانهای این کتاب قسمتی از گفتنی هایی است که نوشته شدند و بسیاری از ناگفته ها یا گفتنی های نانوشته بود و هست که نانوشته هایی نوشتنی بودند. مثل من ... مثل تو.

م: گفتم داستان... شاید برخی از این نوشته ها در هیچ یک از تعاریف مختلف داستان نگنجد، اما حسی از حذف آنها منعم می کرد. شما (داستانی) بخوانید.
ه: اگر این مجموعه مورد پسندتان واقع شد، حتمن یک جلد از آن را به هر که دوستش دارید هدیه کنید و توصیه کنید اگر مورد پسندش واقع شد حتمن یک جلد....

س: خواهش قبلی فقط یک شوخی دوستانه بود.

ن: خواهش (قبلی) فقط یک شوخی دوستانه بود.

ی: من و تمامی عزیزان و دوستانی که حالشان گرفته شد تا این کتاب به چاپ رسید را از دعای خیرتان محروم نفرمایید.